



اعمال روشهای مدیریت محیط در کنترل ناقلین و کنترل لیشمانیوز جلدی در شهرستان بر خوارومیمه

محمد رضا حمدی^۱، جلال کریمی، محسن بختی، حسن مرادی

۱- دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان اصفهان

مقدمه: شمال و شرق شهرستان اصفهان، دشت برخوار، مهمترین کانون هیپر اندمیک لیشمانیوز جلدی روستایی ایران می باشد. مخازن این بیماری بیشتر جوندگان از انواع موشهای صحرایی هستند. حذف مخازن طبیعی بیماری در جوامع انسانی یکی از روشهای کنترل و پیشگیری این بیماری می باشد. تغییرات در محیط و نامناسب کردن محیط زیست جوندگان صحرایی و حذف لانه ها در اطراف جوامع مسکونی که محل اصلی تولید پشه خاکی های ناقل سالک هم می باشند در نیمی از جمعیت ۲۴۰ هزار نفری برخوار و میمه بمنظور کنترل و کاهش موارد سالک از اهداف این مطالعه بوده است.

روش اجرا: این مطالعه به دو روش مقطعی و صحرایی جهت بررسی کارآمدی روش اعمال مدیریت محیط در پیشگیری از سالک آغاز گردید. ابتدا، اپیدمیولوژی بیماری و شیوع عفونت و بروز سالانه به مدت سه سال متوالی در بخش برخوار مرکزی ۲۰ در هزار و در بخش برخوار شرقی ۸ در هزار بدست آمد. سپس منطقه مرکزی که شامل شهر شاهین شهر و روستای گرگاب که نیمی از جمعیت را در بر داشت برای مداخله و بخش برخوار شرقی به عنوان شاهد انتخاب گردید. متغیرهای دموگرافیک و شرایط اقلیمی و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی هر دو بخش تقریباً یکسان می باشد. در منطقه مداخله تغییرات در محیط شامل تسطیح، تخریب و لانه کوبی، بمنظور نامناسب شدن محیط زیست جوندگان و ناقلین به عنوان روشهای مداخله اعمال مدیریت در محیط بکار گرفته شد. یافته ها: پس از ۲ سال میزانهای بروز جمعی در دو منطقه محاسبه گردید. در منطقه مرکزی میزان بروز جمعی سه ساله از ۲۰ در هزار به ۱/۵ در هزار کاهش یافت در حالی که در منطقه شاهد (برخوار شرقی) این میزان از ۸ در هزار به ۱۶ در هزار افزایش یافت. میزان اثر مداخله در این سه سال ۹۰٪ تعیین شد.

نتیجه گیری: برای کنترل بیماری لیشمانیوز جلدی روستایی در این منطقه که مهمترین کانون کشوری این بیماری می باشد، کنترل مخازن به روشهای اعمال مدیریت در محیط که همراه با کاهش و حذف ناقلین هم می باشد روشی مناسب، عملی، کم هزینه با بالاترین کارآیی، کارآمدی و کارساز می باشد.
کلمات کلیدی:

لیشمانیوز جلدی روستایی، تغییرات در محیط، کنترل لیشمانیوز